



۲۰۲۲/۰۵/۰۳



دوکتور محمد ظاهر عزیز

روز جهانی آزادی مطبوعات خدمات یونسکو در راه آزادی مطبوعات

در مقدمه اساسنامه سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، علاوه از دیگر اهداف این سازمان " توسعه ارتباطات برای جریان آزاد و نشر بهتر و متوازنتر اطلاعات، بدون هیچگونه مانعی در راه آزادی بیان" نیز به وضاحت تذکر یافته است.

یونسکو آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و آزادی مطبوعات را در جمله حقوق اساسی بشر میدانند. به همین مناسبت از روز جهانی آزادی مطبوعات در سوم می، هر سال تجلیل می نماید و بدین وسیله کشور های عضو یونسکو را به حرمت گزاری به آزادی بیان و آزادی مطبوعات و حفظ جان ژورنالستان تشویق و تحریک می نماید.

در پیروی از اهداف اساسی خود، سازمان یونسکو، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ میلادی در چهل و هشتمین اجلاس آن سازمان طی مصوبه ۴۸/۴۳۲، روز سوم می هر سال را به عنوان " روز جهانی آزادی مطبوعات " پیشنهاد و اعلام کرد. این موضوع از قطعنامه مصوب کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۱ میلادی تحت عنوان " ارتقای آزادی مطبوعات در دنیا " که جراید آزاد، فراگیر، و مستقل را به عنوان یکی از اجزای ضروری جامعه دموکراتیک و آزاد تلقی کرده، نشأت کرد.

یونسکو این نکته را که کشور های عضو آن مایل هستند روز سوم می را " روز جهانی آزادی مطبوعات " بنامند به اطلاع مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسانید. این روز به یاد سالروز انتشار اعلامیه ویندهوک Windhoek Declaration

و درباره ارتقای وضعیت نشریه های مستقل فراگیر آفریقایی انتخاب شد. این اعلامیه در سوم می ۱۹۹۱ میلادی، در ضمن کنفرانسی که به همین منظور توسط یونسکو و سازمان ملل متحد در شهر ویندهوک پایتخت نامیبیا برگزار گردیده بود، به تصویب رسید.

در طول حیات این سازمان، یونسکو ارتباطات و مطبوعات آزاد را به عنوان وسیله کلیدی توسعه اجتماعی و اقتصادی و حقوق انسانی در جوامع صنعتی و در حال توسعه شناخته و در برنامه های قصیر المدت و طویل المدت خود در توسعه این هدف که بر حسب اساسنامه آن بر یونسکو ملزم گردیده، جد و جهد شایسته نموده است. انکشاف اطلاعات و مطبوعات از طریق توسعه ارتباطات به حیث کلید رشد دهنده در اقتصاد، عامل پیچیده و مهم در تغییر حالات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری از بخش های فعالیت انسانی در کشور ها گردید. تکنالوجی های جدید چون استفاده از سیارات ارسال شده در فضا، سرحدات ملی را عبور کرد و ارتباطات میان کشور ها و مردمان جهان را تیزتر، سریعتر و وسیعتر ساخت. دستگاه های تلویزیون خصوصی، دستگاه های ضبط ویدئو، دسترسی به مواد سمعی و بصری را افزایش دادند. ضمناً پذیرفته شد که ترکیب ارتباط از راه دور با شبکه های کمپیوتر و سیستم های ارتباط جمعی، امکانات جدیدی را برای توسعه

تأسیسات و تسهیلات خدمات اجتماعی از طریق ارتباطات، زمانی بیشتر فراهم آورده می‌تواند که به آزادی بیان و آزادی مطبوعات حرمت گذاشته شود.

یونسکو، معتقد است که دستیابی به اطلاعات و یادگیری از راه دور زمانی بهتر و بیشتر فراهم می‌گردد که عاملان دسترسی به اطلاعات که ژورنالستان اند پشتیبانی و جان‌های شان از خطر مرگ و آزار جسمی حفظ گردند. لذا آزادی مطبوعات، آزادی بیان و سخن، حرمت به حیات ژورنالستان و توسعه ارتباطات مانند زنجیر با هم پیوست اند. اگر این همه عوامل با هم یکجا متحد باشند، مبین توانایی‌های بالقوه زیاد بوده و امکانات غیر قابل پیش‌بینی را برای پیشرفت عالم بشریت بوجود می‌آورند.

قبلاً تذکر داده شد که از شروع بنیانگذاری یونسکو، اهمیت ارتباطات درک شده بود در اساسنامه یونسکو ذکر شده است که " دول عضو موافقت می‌نمایند و مصمم اند که وسایل ارتباطات را مابین دولت‌های شان توسعه و گسترش داده و این وسایل را در خدمت تفاهم متقابل و آگاهی واقعی تر و دقیق تر از طرز زندگانی یکدیگر قرار دهند." بر اساس روح این اصول، برنامه توسعه ارتباطات (IPDC) در سال ۱۹۸۰م به عنوان اسباب عملی برای رشد توان ارتباطی و اطلاعاتی کشور های در حال توسعه اجراء شد تا فرصت مشخص و مناسب برای اظهار در گفت و گوی میان اتباع خود شان و در سطح بین المللی به آنان بدهد. ضمناً کیفیت و کمیت جریان اطلاعات بین کشور های در حال توسعه و صنعتی را بهبود بخشد. تهاداب مفهوم نظام نوین جهانی ارتباطات و اطلاعات آزاد هدف مشابهی بود که در برنامه های قبلی یونسکو نیز مکرراً طرح شده بود.

یک از اهداف اساسی توسعه ارتباطات، توجه بر انکشاف اطلاعات و اعلامیه جهانی حقوق بشر متمرکز شده و به جست و جوی پاسخ به سوالهای زیر خواهد پرداخت:

- چطور آزادی بیان و اطلاع رسانی در اعمال مختلف ارتباطاتی ایجاد میگردد و چطور رسانه ها، شبکه های ارتباطاتی و سازمان های حرفه ای در پیشبرد این آزادی ها سهیم می شوند؟ در این باره تحولات چگونگی جریان اطلاعات در سطوح بین المللی و محلی، به شکل منظم به منزله شاخص پیشرفت روابط جمعی بسوی آزادی بیان، ثبت و ضبط خواهد شد.

- چطور همکاری بین شبکه های متخصصین ارتباطات و سازمان ها، به منظور گسترش گفتگو مابین آنها، تقویت خواهد گردید.

هدف سوم، نمایانند اهمیت رسانه های سمعی و بصری و چاپی به عنوان عاملین سواد در جهان نوین و طرق مختلف استفاده از آن برای تعیین تیبیین واقعیت است. این کار به منظور استفاده عینی از رسانه ها و حد اکثر بهره گیری از کار آنها، خصوصاً در میان جوانان و بهبود آگاهی از نوع نقش رسانه ها در جوامع مختلف صورت می پذیرد. این اقدام سمت گیری عملی داشته، کار آموزی و تولید مطالب آموزشی قسمت برجسته آن است که در همکاری نزدیک متخصصین ارتباطات، اطلاعات، والدین، معلمان و مربیان و محققین اطلاعات، امکان پیاده شدن را دارند.

در چهارچوب ماده نژده اعلامیه جهانی حقوق بشر، هدف از اقدامات مربوط به شبکه های ارتباطات برای جریان آزاد اطلاعات در سطوح بین المللی، ملی و محلی خواهد بود به نوحی که تبعیضات موجود کاهش یابد. این امر از طریق بهبود دسترسی به منابع اطلاعاتی از طریق تقویت دستگاه همکاری و مبادله اطلاعاتی مابین متخصصین ارتباطات، اطلاعات و تقویت مراکز و شبکه های اطلاعاتی، صورت خواهد گرفت.

اولین دسته اقدامات متوجه سنجش و تحلیل جریان اطلاعات خواهد بود. اطلاعات در دو زمینه که در زمان حاضر حائز اهمیت خاصی هستند، متمرکز است.

- جریان بین المللی برنامه های تلویزیونی که تحت نفوذ رشد سریع مراکز پخش جدید توزیع قرار دارند.

- انتشار اخبار در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی حتماً تحت تأثیر تکنالوژی جدید و وسایل امروزی گسترش منابع خبری داخلی و منطقه بی قرار دارد.

رسالت مطبوعات در روشنگری افراد جامعه:

مطبوعات برای انجام رسالت مهم خود که آگاه سازی و روشننگری مبتنی بر واقعیت هاست، باید آزاد باشند، زیرا در سایه این آزادی است که می توان انتظار داشت تا این ابزار بتواند در آموزش تعلیمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افراد و ایجاد جامعه مدنی پویا و تثبیت آن، نقش ایفا کنند.

پیدایش مطبوعات در سده گذشته در پیشرفت دموکراسی، حقوق بشر و آزادی های اساسی آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر تذکر یافته، سهم بسیاری داشته و بر اذهان عمومی اثر زیادی گذاشته است. به همین دلیل هم برای نشان دادن اهمیت بزرگ فرهنگی و سیاسی مطبوعات در همان آغاز بر آن نام رکن چهارم دموکراسی نهادند. امروزه یکی از شاخصه های مهم برای اندازه گیری میزان توسعه یافتگی کشورها، شاخص دانایی و اطلاعات است که مطبوعات در ارتقای آن نقش بارزی دارند. به این صورت که مطبوعات می توانند با انعکاس مطلوب واقعیت ها و افزایش اطلاعات مردم در راستای توسعه فرهنگی و بالا بردن توان تصمیم گیری حرکت کنند.

بنابراین، اگر موانع پیش روی مطبوعات برداشته شود و آزادی آن ها سلب نشود و بتوانند از اشخاص و دولت هم از نظر سیاسی و فکری و هم از نظر مادی مستقل باشند، می توانند در راه ایجاد جامعه مدنی پویا و گسترش فرهنگ دموکراتیک و افزایش مشارکت اجتماعی نقش موثری ایفا کنند. همین تاثیرگذاری و اهمیت مطبوعات بود که سبب شد به پیشنهاد یونسکو و تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز سوم ماه می هر سال به عنوان روز جهانی مطبوعات معرفی شود.

مطبوعات زنده و پویا در هر حکومت به خصوص حکومت های دموکراتیک دارای خصوصیات منحصر به فردی هستند که می توانند بسیاری از معادلات درون قدرت را به نفع مردم و اتباع آنکشور تغییر دهند. این مطبوعات باید دارای چنین خصوصاتی باشند؛ یعنی ذکر واقعیت ها، نقد و بررسی و ارائه تحلیل های واقع بینانه و روشننگرانه نسبت به مسایل و جریان های موجود کشور، نقد عملکرد های دولت، آگاهی دادن به مردم، ابلاغ افکار عمومی به دولت و اعمال فشار عمومی بر آن. این نوع اقدامات باعث می شود تا دولت ها تنها زمانی بتوانند دولتی پاسخگو باشند که مردم از عملکرد آن آگاه باشند؛ آگاهی که جز از طریق رسانه های گروهی از جمله مطبوعات مستقل و غیر وابسته به دولت امکان پذیر نیست.

این خصوصیات که برشمرده شد در سایه آزادی بیان و آزادی خود مطبوعات قابل دست یابی است؛ آزادی هایی که جوهر دموکراسی محسوب می شوند. منظور از آزادی بیان و مطبوعات آن است که هر فردی از افراد جامعه حق اظهار نظر دارد و نیز حق دارد، اظهار نظر خود را مانند دیگران به گوش همگان برساند. برای این منظور افراد، حق جستجو و دستیابی به همه نوع اطلاعات و اندیشه ها از طریق همه رسانه ها را دارند.

البته منظور از آزادی بیان، آزادی مخالفان و منتقدان نیز است زیرا اگر فقط افرادی که به نحوی به قدرت سیاسی وصل اند، آزاد باشند، این آزادی نیست. آزادی یعنی آزادی مخالف. بنابر این، هنر حکومت این نیست که مخالف خود را از صحنه دور کند، بلکه هنر حکومت این است که مخالفان خود را وادار سازد تا در چارچوب قانون مطبوعات بتوانند، عقاید و نظریات خویش را بیان کنند. این اصل هم با آزادی دادن به مطبوعات عملی می شود و بس.

در واقع می توان گفت که آزادی مطبوعات بخشی از آزادی است که برای رشد تعالی انسان در اختیار وی قرار می گیرد. این آزادی از ضروریات حیات اجتماعی و زندگی سیاسی به شمار می آید و وسیله ای برای تضارب افکار، مبادله اطلاعات و انتقال میراث بشریت است. همچنین فضای مناسبی جهت گفت و گو و تبادل فرهنگی میان تمدن ها و فرهنگ های مختلف ایجاد می کند.

مطبوعات وقتی که از آزادی لازم برخوردار باشند، نقش های مختلفی برعهده می گیرند. یکی از اینها، نقش انکار ناپذیر آنها در هدایت و شکل دهی افکار عمومی و تاثیر گذاری آنها بر تحولات سیاسی و اجتماعی است زیرا مطبوعات آزاد و مستقل آینه فکر، فرهنگ و تحولات درونی و بیرونی ملت ها به شمار می روند و نقش آن ها در فرایند توسعه سیاسی و ایجاد جامعه مدنی انکار ناپذیر است.

می توانند با انعکاس واقعیت های جامعه و آموزش سیاسی مردم و پرهیز از یک سویه نگری به توسعه سیاسی و گسترش دموکراسی کمک کنند. آنها با متمرکز شدن بر مشکلات یا پدیده های خاص افکار عمومی را شکل می دهند و در تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی نقش دارند. بنابراین، قدرتمند ترین رسانه که می تواند بر افکار عمومی تأثیر بگذارد و ذهن مردم را به هرسویی که می خواهد بکشاند، مطبوعات هستند که با جلوه دادن یک خبر مهم و انتشار آن در سطح گسترده ای از پهنه گیتی رسالت خود را که همان تأثیر بر افکار عمومی است، انجام دهند.

مطبوعات و توسعه سیاسی:

مطبوعات و توسعه سیاسی بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. به این صورت که نظام سیاسی توسعه یافته بر ساخت و کارکرد مطبوعات تأثیر می گذارند و متقابلاً مطبوعات نیز به عنوان مجرا و بستر تضارب آرا و عقاید در فراهم کردن گفت و گوی نقادانه، نقش موثری در ایجاد زمینه توسعه سیاسی ایفا می کنند.

البته نباید از نظر دور داشت که توسعه سیاسی به مشارکت روز افزون در سیاست، تحرک توده مردم به شناخت بیشتر افراد و گروه ها نیازمند است؛ یعنی به ۲ شرط نیاز دارد: یکی اینکه مردم احساس کنند که جزئی از ملت هستند و توانایی اثر گذاری و تصمیم گیری در سرنوشت شان را دارند که در این خصوص، وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات می تواند به حمایت و تشویق مردم به مشارکت بپردازند و دوم اینکه نهاد هایی توسعه یابند که توانایی بیان و تشخیص منافع گروه های متفاوت و تبدیل آنها به برنامه های سازگار و اجرای خط مشی های مربوط را داشته باشند که در این زمینه لزوم ایجاد تشکل های سیاسی و مدنی و مطبوعات مستقل به عنوان تریبون انتقال صدا ها و ایده های گوناگون احساس می شود.

بنابراین، اگر توسعه سیاسی را وجود کثرت، رقابت و مشارکت در جامعه دانست، رسانه ها از جمله مطبوعات می توانند در به وجود آوردن این شرایط و حفظ و تداوم آن نقش مؤثر ایفا کنند. مطبوعات به عنوان یکی از کانال های ارتباطی مهم و تأثیرگذار در ساخت سیاسی جوامع به شمار می آیند که در ایجاد و گسترش فضای توسعه یافته سیاسی می توانند نقش آفرین باشند.

ایجاد ارتباط دو طرفه میان دولت و مردم یکی از کار کرد های اصلی مطبوعات، در روند توسعه سیاسی است. در این راستا مطبوعات می توانند از یک طرف دولتمردان را از نیاز ها، توقعات و انتقادات مردم مطلع کنند و از طرفی دیگر مردم را از امکانات و محدودیت های ملی آگاه ساخته و به توجیه و تفسیر تصمیم های گردانندگان سیاسی در محدوده قانون اساسی، عرف، ارزش ها و سنت های فرهنگی بپردازند.

کمیتر کسی است که حداقل یک مرتبه این جمله مشهور را ننشیده باشد که: «مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است.» بخش مهمی از عرصه رسانه که بنای آن حرکت جوامع به سوی دموکرات شدن هر چه بیشتر و از سوی نظارت بر عملکرد مسئولان و برنامه ریزان آنهاست.

با تحولاتی که در کشور عزیز ما افغانستان به عمل آمده، آزادی مطبوعات و آزادی بیان بنابر بی حرمتی و عدم باور دستگاه حاکم به آزادی مطبوعات و حق سخن و قلم آزاد، در خطر بزرگ قرار گرفته است. علاوه بر آن، از روزی که طالبان قدرت را به زور، نه به آرزوی کافه مردم افغانستان، به دست آورده اند، چندین خبر نگار که جز خدمتگذاری به مردم آرزویی نداشتند، کشته شده اند. تعداد کثیر خبر نگاران یا محبوس و یا لت و کوب گردیده اند، در حالی که هیچ گناهی را مرتکب نگردیده بودند. بیش از صد دستگاه مطبوعاتی (روزنامه ها، رادیوها و تلویزیون های شخصی) نظر به عدم همکاری دستگاه صاحب قدرت، بسته شده اند. بنابراین تعداد کثیر خبر نگاران، خاصاً خبرنگاران زن بیکار و خانه نشین شده اند. این حالت قابل تقبیح، هنوز هم ادامه دارد.

ادامه چنين روش طالبان، دست آورد هايي را كه در سالهاي اخير كشور ما، در زمينه آزادي مطبوعات و آزادي بيان البته در مراعات به اصول و قانون مطبوعات و رسانه ها، نصيب شده بود، به سمت تاريخي سوق ميدهد. با تأسف كه اين روش، همراه با تصميم نادرست مقامات صاحب صلاح طالبان در بستن مكاتب هزاران فرزند دختر صنوف هفت الي دوازده افغانستان، اين كشور را به سمت تاريخي عقل و دانش سوق ميدهد. علاوه ادامه اين نوع عمل و حكومنداري، در حد اقل، دو نتيجه منفي براي حكومت طالبان و دستگاه رهبري شان خواهد داشت. اول، تنفر و دوري كافه مردم افغانستان، به شمول عالمان ديني، از طالبان. دوم، عدم اعتماد حكومات جهان و دستگاه ملل متحد و جوامع آزادمث در جهان، به وعده هاي طالبان و نوع حكومنداري آنها. ختم



برای مطالب دیگر دوکتور محمد ظاهر عزیز روی عکس کلیک کنید

